



نویسد

(تاریخ شماره) (پایه به حزب سوسیالیستی ایران) شماره ۵۰۰ دهمین و آخری است

توطئه جدید رژیم شاه - ساواک

هیچ سگهای دروغ و ترساکان به استعفاء و استعاضای خود در برابر کاروانسرای سنگی (جاده کرج) برنگی بر سر کشتن باطنی خود چنان تاوان از رژیم شاه گرفتند. در حقیقت او نیز با ما با باران خون و رستاخیز پشت ناپاکان و از ترس و ریاکاری است.

اتحاد... مبارزه... پیروزی

حوادثی که در چند روز گذشته بر سر مبارزه و دانشگاهها و خیابانهای تهران رخ داده و کاروانسرای سنگی و ساواک و مریضی را در برابر هم اشتباه و ترس و جنایت، تاگردد. این حوادث به حدی که از این نقطه نظر مسائل اجتماعی بسیار است که با آنها سیاسی و اجتماعی که نسبتاً روشن دانشگاهها کار کرده بود، به خیابانها گریه و در گریه همار

نمونه هایی از اعلامیه هایی که در جریانات اخیر در ایران پخش شد



اظهاریه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

مبارزه‌ای که از دهه سوم آبان و اوایل آذر در تهران و برخی نقاط دیگر میان مردم و رژیم دیکتاتوری در گرفته، از سوی بیانیگر این واقعیت است که مردم کار به استخوان رسیده ایران دیری است که دیگر طاقت تحمل رژیم استبداد شاه را ندارند و از سوی دیگر دلالت بر آن دارد که این رژیم برخلاف سیمای دروغینی که در مواقع اضطرار به خود میگرد، مانده درنده هار، با چنگ و دندان از نظام مغرور و پلیدش دفاع میکند و مردم را به خاک و خون میکشاند.

شاه که برای معامله گری به معنای واقعی این کلمه، به آمریکا رفته بود، علیرغم لاف و گزاف چندین ساله اش در باره حفاظت از نفت و افزایش قیمت نفت، در آنجا اعلام نمود که در کنفرانس ماه دسامبر اینک در شهر کاراکاس از پیشنهاد افزایش بهای نفت پشتیبانی نخواهد کرد و کارتر در مقابل این تعهد وطن فروشانه شاه و علیرغم لاف و گزافهای خود در باره "حقوق بشر" اعلام نمود که آمریکا به پشتیبانی از رژیم دیکتاتوری موجود در ایران که کلیه حقوق و آزادیهای مردم ایران را غصب نموده، ادامه خواهد داد. این معامله

بیشترمانه و آشکار مدعای "وطن پرستی" شاه و "بشر دوستی" امپریالیسم را برای هزارمین بار رسوا کرد و نشان داد که یگانه هدف این یک، تأمین ادامه حکومت خونین دیکتاتوری و تنها منظور آن یک، تأمین ادامه غارت نفت و اسارت ایران است و "وطن" و "حقوق" و "بشر" در نزد آنان در بهترین حالت کالایفست که میتوان با آن خرید و فروش کرد.

نخستین ثمره معامله شاه و کارتر تهاجم مشترک آنها علیه نیروهای میهن پرست و ضد دیکتاتوری ایران بود. هنگام مذاکرات شاه و کارتر، در برابر کاخ سفید، بیش از هزار تن از افراد نیروهای مسلح ایران که در آمریکا تحصیل میکنند و با پول نفت ایران و با توافقی دولت آمریکا از پایگاه نیروی هوایی "لاک کندی" برای پشتیبانی از شاه به واشنگتن آورده شده بودند، به همگامی و همکاری پلیس آمریکا بر هزاران تن افراد ایرانی که برای اعتراض علیه رژیم دیکتاتوری ایران در آن محل گرد آمده بودند، وحشیانه حمله ور شدند. عده‌ای به سختی مجروح و دهها تن از مخالفان دیکتاتوری از جانب پلیس آمریکا بازداشت گردیدند.

در حالیکه ضربات چماق این آدمکشان حاشیه کاخ سفید را باخون مخالفان رژیم رنگین کرده بود، در تهران دنباله در صفحه ۴

توطئه جدید رژیم شاه - ساواک

دشمن وطن که گویا شعارهای ضد میهنی میداد مانند، خبر دادند. تحریف و سلاخی حقیقت تنها هنر سر جلاادان و روسپیان سیاسی است. رژیم که روی سر انگشتهای خون آلود جلاادان میگردد جز پناه بردن به پشت دروغهایی چنین سخیف چه چاره ای دارد؟ اما از قدیم گفته اند که خائن خائف و دروغگو کم حافظه میشود. فوران چرکاب کذب و ریا از لابلای همان خبر فرمایشی روزنامه‌های سرسپرده و ساواک زده بخوبی آشکار بود. مردمی که با شعبده بازیهای عامیانه و جنایات و دغلاکریهای رژیم شاه - ساواک آشنائی دیرینه دارند، با طعنه و ریشخند میپرسیدند:

— در روز تعطیل رسمی این به اصطلاح ۷۰۰ کارگر کجا بودند؟ مگر کارگران با اتوبوسهای درست شرکت واحد و اتومبیلهای نیروی هوایی به سر کار میروند و یا از کارخانه بر میگردند؟ عجیب! همه این ۷۰۰ کارگر نماز پیش با چماقهای یک شکل و زنجیر و چاقو و پنجه بوکس مسلح بودند، همه آنها بازوبند مخصوصی بسته بودند و آرایش سرهایشان به سبک ارتشیان بود. حتی اکسیر آنها کاپشن های آمریکائی بر تن داشتند و بسیاری نیز فراموش کرده بودند پوتین های آمریکائی خود را عوض کنند...

دنباله در صفحه ۲

هجوم سنگهای درنده و هار حکومتی به اجتماع آرام و مسالمت آمیز مردم در کاروانسرای سنگی (جاده کرج)، برگ دیگری بر کتاب قطور و خونین جلااد تاجدار ایران و رژیم افعی صفت، ضد ملی و ضد خلقی او افزود. اما اینبار این هجوم رسوا در پشت نقاب تازه‌ای از تزئین و ریا انجام گرفت.

در حدود ۷۵۰ نفر جمعیتی که روز سه شنبه اول آذرماه برای شرکت در مراسم جشن عید قربان و استماع سخنرانی تنی چند از رهبران مذهبی و شخصیتهای ملی در باغی واقع در کاروانسرای سنگی اجتماع کرده بودند، به ناگهان مورد یورش غافلگیرانه چماق بدستها و چاقوکشان عریده جوتی که در باغ را شکسته و از دیوارها بالا آمده بودند، قرار گرفتند. پیش از آنکه بهت و ناباوری ناشی از این گرگ صفتی بی بهانه فرو بنشیند، صدها سر و دست و پای شکسته و دهمها جسد نیمه جان و غرقه در خون در فضا ئی آکنده از دهشت و ناله و بانگ خشم و اعتراض برجای ماند. چماق بدستهای شاه صدها اتومبیلی را نیز که مردم بوسیله آنها به کاروانسرای سنگی رفته بودند خرد کردند و در هم شکستند.

فردای روز جنایت، روزنامه‌های فرمایشی که پنداری به حقیقت و مردم اعلام جنگ داده‌اند، با وقاحتی که تنها در خور آنهاست از زد و خورد کارگران با یک مشت

اتحاد * مبارزه * پیروزی

وحشیانه و بگیر و ببند آغاز شد، درهای صدها خانه در خیابانها و کوچه ها و پس کوچه های شهر باز شد و زنان و مردان، فرزندان قهرمان و آغشته به خون خود را که چکمه پوشان و قداره بندان رژیم در تعقیب آنان بودند، به خانه های خود پناه دادند و سینه‌های مهربان خود را در برابر آنان سیر کردند. مردم به یاری مردم آمدند تا حماسه پیوند خلق را با تف کردن به روی داروغه ها و گزبه ها و گماشتگان قداره بند و مزدوران کر و کور و تاریک دل رژیم ضحاک زمانه تأکید کنند.

برای حوادث چند روز اخیر نقطه شروعی نمیتوان قائل شد. شبهای شعر و سخنرانی کانون نویسندگان ایران که به میتینگ ده هزار نفری پر شوری علیه شرایط خفقان و نکبت و استبداد بدل شد و حوادث پراکنده و بیشمار که در ماههای اخیر به اشکال مختلف در گوشه و کنار کشور روی داد و جوهر و مایه اصلی همه آنها خشم به سته آمده و اراده نبرد و پر خاش در برابر رژیمی که با کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد دنباله در صفحه ۳

حوادثی که در چند روز گذشته در عرصه دانشگاهها و خیابانهای تهران رخ داد، آغاز مرحله نوینی از عکس العملها و حرکات ملی را در برابر رژیمم اختناق و ترور و ترس و جنایت، تأکید کرد. این حوادث به ویژه از این نقطه حائز اهمیت بسیار است که تظاهرات سیاسی و اعتراضی که نخست از صحن دانشگاهها آغاز شده بود، به خیابانها کشید و در کوچه ها و اماکن، باخروش و خشم رژیم ایران برپاد ده شاه - ساواک را در شعارهای شورا انگیز خود اقصاء کرد و با مردم رو در رو سخن گفت. و دنباله این جرقه که از آتش خرد و میهن پرستی برخاسته بود، مردم کوچه و بازار فوج فوج به تظاهر کنندگان پیوستند و صدای خلقی خود را با این بانگ روشنفکرانه اعتراضی درآمیختند. خیابانهای تهران پس از سالها انتظار در زیر سایه سرنیزه و کابوس جلاادان، صدای گره شدن مشت ها، جوش خوردن و پیوند قلب ها، شکستن عزم مبارزه و زبانه کشیدن شعله های خشم و قیام را شنیدند. و هنگامیکه گزاهای شاه به صیغوف میهن پرستان یورش بردند و ضرب و شتم

پیروزیاد پیکار مبارزان ضد استبداد علیه رژیم منفور ترور و اختناق

دنباله توطئه جدید رژیم ...

گاه حوادث در کنایه های خود گوئی پوزخند تمسخر میزنند . کافی است حادثه ها را کنار هم قرار دهیم تا مشت دروغگویان حرفه ای و میر غضب هائی که بایبشرمی سنگ مردم را به سینه میزنند باز شود . کارگران شریف ایران و همه مردم در بند آزاده و آگاه که ۲۴ سال است سرنیزه کود تاگران را زیر گلوی خود احساس میکنند ، هنوز خاطره قتل عام کارگران زحمتکش جهان چیت را توسط ژاندارمهای شاه فراموش نکرد هاند . آدمکشان شاه درست در همین کاروانسرا سنگی که شاهد وقایع اخیر بود مسلسلها را بسوی صوفو آرام کارگران آتش کردند و از خون پاک آنها شقایق های سوزان و داغداری را روی خاکهای جاده کرج و در واقع در قلب طبقه کارگران رویانده اند . و حالا همان قاتلان بی انزیم ادعا میکنند که کارگران ایران به حمایت از جلاد خود یا خواهران و برادران و فرزندان خویش درآ و یختناند و آنها را به خاک و خون کشید هاند . زهی وقاحت!

کمدی نویسان ساواک و ساواک زدگان روزنامه نویس هرگز قادر نبودند مضحک تر و شاخدارتر از این افسانه ها خلق کنند . رژیم که دستپایش تا مرفق به خون شهدای کارگر آغشته است ، کارگران زحمتکش و مبارز - این خونی ترین دشمن بساط ننگین خود را - سر یازان و فدائیان جان به کف خویش معرفی میکند . رژیم که تظاهرات حق جویانه هزاران کارگر ریسند ه شاهی را با گلوله جواب مید هد ، اعتصاب کارگران چیت تهران را در جاده آرامگاه در خون غرق میسازد ، اجتماع اعتراضی کارگران کوره پر خانه ها را به گلوله میبندد ، با هر نوع حرکت و مقاومت کارگری بسا باروت و زندان و اخراج های دسته جمعی مقابله میکند ، اینک در نهایت سفاقت میخواهد در انتظار قربانیان خود راتیکه گاه خود بنامد اما مردم ما این دسیسه ها را می شناسند . کارگران مبارز آگاه ایران که میزان نزدیکی و الفت رژیم شاه - ساواک را بخود در آئین نامه انضباطی خشن و ضد کارگری اخیر و چماق حاضر و آماده او که در هر حرکت حق طلبانه با آن روبرویند ، بخوبی تشخیص داد هاند و به این دوستی به اصطلاح خاله خراسانه به این الفت چندش آور که داستان محبت گرگ به گوسفندان را بیداد میآورد ، با اعتراضات صنفی و سیاسی جنبشهای اعتراضی و تظاهرات مخالفت آمیزی که هر روز اوج و شدت و دامنه فزونیتری مییابد و وحشت و سراسیمگی و تزلزل رژیم را عمیقتر میکند ، پاسخ میگویند .

توطئه کاروانسراسنگی حادثه بیسابقه ای نبود . یک روز پیش از این صحنه سازی یلید ، گرازهای شاه بالباس میدل و با همان شیوه آشنا ، به استادان ، دانشجویان و انبو ه مردمی که برای شنیدن برنامه سخنرانی یکی از اعضای کانون نویسندگان ایران به دانشگاه آریامهر آمد ه بودند حمله بردند . استادان دانشگاه را کتک زدند ، دانشجویی را با زنجیر و پنجه بکس و چوب و چماق و چاقو به خاک و خون کشیدند و مردمان را رها کردند . این بار رژیم مدعی بود که این ارواح خبیثه که انگاری از جهنم برآمده بودند تا فرمان ابلیس را اجرا کنند ، اعضای حزب رستاخیز هستند . شاید چنین باشد . در حزب دیرباری همز چاقو کشان حرفه ای و اوپاشان دهان گشاد و شعبان بی مخهای رنگ وارنگ ، تحفه دیگری نیست .

شیوه ترور و ارباب تازه ابد اع رژیم در سفر شاه به آمریکا نیز مورد استفاده قرار گرفت و چهار هزار تن از گروهیان و رنجرها و گارد های ارتش و شهر یانی ساواک با لباس میدل توسط ۹ جت بوئینگ به واشنگتن منتقل شدند تا اجتماع دانشجویان وطن پرست ایرانی را که بسبه افشای سیمای دژخیم خلقهای ایران برخاسته بودند ، بهم بریزند . اما کوس این رسوائی نیز در جراید و وسایل ارتباط

جمعی اروپا و آمریکا زده شد و جهانیان پرده دیگری از ریا و فریب دلفنی راکه در جاده جنایت به دروازه های تعدن بزرگی رسیده ، در یافتند .

دارو دسته ای که تمامی نیروهای حکومتی را بسرای تقلب و نیرنگ و قلب حقایق بکار میگیرد و بر چماق و دشنه اوپاشان و پست فطرتان مزدور تکیه میکند ، با این سیاست راهزنانه هم هراس خود را از آگاهی توده ها به کنه امور و واقعیات نشان مید هد و هم بی نیاتی پایه ها و ضعف و تزلزل درونی خود را در برابر حتی یک نسیم کوچک که از فراز یک اجتماع چند صد نفری میگذرد ، مویائی در برابر هوای آزاد متلاشی میشود . برای رژیم اختناق شاه هر اندیشه آزاد ، هر طبع مخالف بردگی ، هر احساس وطن پرستی ، هر جلوه حقیقت و حقانیت ، هر مردائی که از حلقوم بیش از دو نفر خارج شود ، هر نوع اعتراض یا تظاهر جمعی ، بمثابه هوای تازه ای است که جسم پوسیده و کرم خورده و فاسد آنرا تهدید میکند . و شگفتا که این بوزینگان غاصب حکومت شریفترین و صدیق ترین میهن پرستان را بنام قانون و نظم و وطن که خود سلاخ واقعی آن هستند ، به سیاه چالها میسپارند ، به جوخه های اعدام میبندند ، در کوچمه ها و خیابانها قتل عام میکنند ، در محکمه های درسته و شکنجه گاههای مخوف زیر زمینی زیر پاشنه میگویند و آنگاه کسه دستشان از همه این وسایل سباحت کوتاه شد ، با برچسب وطن فروشی هو می کنند .

اما کیست که خائن و فرومایه واقعی را نشناسد . او همان شهربی است که برای جلب رضایت و حمایت ارباب و اشنگن نشین خود نفت مارا میبخشد ، نه با کمترین مشورتی حتی با مجلس فرمایشی و غلامان و چاکران کمر بسته ای کسه احاطه اش کرده اند ، بلکه سر خود و مستبدانه . و به این چاکری امپریالیسم جهان خوار مباحث میکند و یاد درگلو میاند ازد که برای همدردی یا غرب - غرب امپریالیست - حاضر است سیاست نفتی پخما گرانه آمریکا را در اوپسک اعمال کند و اگر لازم افتد اوپک را بهم پیاشد . خائن آن تاجدار تهی مغز و دارودسته ایران برپاده دهی است که ۲۴ هزار مستشار نظامی و هزاران کارشناس و جاسوس آمریکائی را با افسانه های ترین حقوق و مزایا به ایران آورده و عملا ایران را به اشغال پنهان و ویرانگر امپریالیسم سپرد هاست . خائن آن افعی های زهر آگینسی هستند که کشاورزی مارا به پیروی از سیاست اقتصادی سلطه جوی یانکی ها و صیبه نویست ها و سرمایه داران و سیاست بازان غرب به ورشکستگی کامل سوق داد هاند و در روی گنجه های طلای سیاه و مس و آهنیوم و زغال سنگ و دیگر معادن و نعمات سرشار و بی شمار ، سی و پنج میلیون گرسنه و نیمه گرسنه ، بیخانمان ، دهان بسته و رنج دیده ه برجای نهاد هاند . آنها که فقر و ذکرشان افزودن بر تعداد زندان هاست ، اما در دانشگاهها را میبندند ، آن گانگسترهای بین المللی که سرخ بزرگترین شبکه های قاچاق مواد مخدر و قمارخانه ها و کازینوهای ایران و جهان بنوعی به سرانگشتهای آنان پیوسته است ، آنها که با صیبه نویسم و امپریالیسم علیه خلقهای کشورهای دیگر دسیسه میچینند و برای حراست منافع امپریالیسم باخسون جوانان ما و ثروتهای ملی ما خلق آزاد بخواه ظقنار را در خون غرق میسازند ، آنها که بهترین فرصتهای تاریخی را با غارت دلارهای نفتی و حیف و میل و حاتم بخشی آن بسه هدر داد هاند و یا با خرید خروارها آهن پاره و تانک و توپ و هواپیما و رادار و سیستمهای جاسوسی الکترونیک که هیچ ضرورتی برای منافع ملی ما ندارد ، به جیبهای گشاد امپریالیسم ریخته اند ، آنها که مجلس و مشروطه و قانون را به خیمه شب بازی استبداد بدل کرده اند و آزادی و اندیشه و قلم را در خاکستر و باروت دفن کرد هاند . آری خائن واقعی راهمه می شناسند ، اگر چه تمام دستگا ههای تبلیغاتی جهان امپریالیسم و همه قلم

به مزد ها و رجا له ها و مقاطعه گران داخلی بخواهند سیمای کریمه اورا بزرگ کنند و بسیا رایند . اما در جهان که بر اثر بهم خوردن موازنه قدیمی قدرت و پیشروی طلایه داران صلح و عدالت و آزادی و سوسیالیسم ، خا امپریالیستهای یک تاز دیروز به خفقان افتاد هاند عروسکهای پوشالی و لعینگان آنها دور نمائی ندارند . جنایت کاروانسراسنگی و فجایع اخیر رژیم در دانشگاهها رقم تازه ای بر شمار شهدای راه آزادی و استقلال ایران افزوده است ، آخرین شگرد ها و تشنجات جنون آمیز عکس العملهای عصبی و بیمارگونه آریامهری است . آ لحظه ای که رژیم با ابزارهای کهنه خود قادر به ادامه حکومت نباشد و حکومت شوندگان ادامه این وضع نا هنج و خیانت بار و ضد مردمی را فعلا نه نخواهند ، بسرعه فرامیرسد . گراز تیر خورده می خواهد و نامود کند که چو تار سالیان دوزخی اقتدار خود براریکه قدرت جبروتی نشسته و کنترل اوضاع را در دست دارد . اما حقیقت جز این است سداستیداد و خودکامگی ترک خورده و رژیم در برابر امواج پیاپی و اوج گیر تظاهرات و اعتراضات و مقاومتها مبارزات صنف ها و گروهها و قشرها و طبقات مختلف مله بخود میلرزد . در این شرایط حساس و خطیر ، برای سا کردن بختی که بروی میهن ما افتاده و هر تحول و پیشرفت و بهبود و رونق ملی و میهنی در گرو محو آنست ، تنها یا راه و فقط یک راه در برابر توده ها و مبارزان وجود دارد . اتحاد همه نیروهای مخالف استبداد در یک جبهه واحد همه گیر ضد دیکتاتوری .

تمام شرایط ضرور و عینی چنین اتحادی مهیا ساند عناصر وطن دوست و آزاد بخواه باید یاد رک عهد مسئولیت خود برای ایجاد این جبهه واحد و طرد هرگونه کارشکنی ، نفاق افکنی و بیبانه جوییهای زبانیخشا حریم و حوزه آن با تمام نیرو بکو شند . چنین اتحاد صرف نظر از اختلاف نظرهای مسلکی ، عقیدتی ، سیاسی مذهبی و برداشتهای متفاوت ، تنها بر محور اشتراک مساعی برای واژگونی دارو دسته دیکتاتوری میتواند شک بگیرد ، تآتور شود و سازمان بیاید . جز تشکل در بسا جبهه سیاسی گسترده که از حمایت فعال و انرژی و تم و قدرات پراننده کلیه نیروها و عناصر ملی و میهنی بطر یکجا برخوردار باشد . بزندان آختن دارو دسته ای چنین قدر ، حیله گر و قسی که از همه امکانات حکومتی و سازما - های پلیسی و سیاسی و نظامی وسیع و حمایت بیدریا امپریالیسم جهانی بهره مند است ، همسر نیست . درک کذ این واقعیت و پاسخ علی به آن کلید پیروزی ماست .

پیش بسوی جبهه ضد دیکتاتوری

برنامه حزب توده ایران ،
حزب طبقه کارگر ایران ،
تها حزب مدافع واقعی
منافع تمام زحمتکشان ایران را
با دقت مطالعه کنید ، بهر وسیله
مطمئننی که برایتان میسر است ،
به پخش آن یاری رسانید .

دنیاله اتحاد - مبارزه - پیروزی

به ایران تحمیل شده بود، و از این مهتر، حرکات اعتراضی و جنبش‌های روزافزون طبقه کارگر ایران که گام به گام چهره عصبانی و سیاسی آن در آهنگ بی‌وقفه و اوج گیرنده‌ای واضحتر میشود، همه و همه از بحران همه جانبه‌ای که گریبانگیر رژیم ستمگرو خودکام شاه شده و فصل تازه‌ای که در مبارزات مردم ما بسا جباران و تاراجگران وطن آغاز گردیده، حکایت میکنند. اما حوادث اخیر آغاز مرحله تازه‌ای از گسترش بی‌سابقه این تظاهرات و حرکات توده‌ای بود که در آن بیش از ۲۰ هزار نفر از قشرهای مختلف مردم و در پیشاپیش آنان دانشجویان آزاد یخواه، شرکت داشتند. حادثه در غروب سه شنبه ۲۴ آبان ماه با یک جرقه کوچک از دانشگاه صنعتی (در خیابان آیزنها - ور) آغاز شد. نیمی از جمعیتی که آنروز برای شرکت در مراسم سخنرانی یکی از اعضای کانون نویسندگان با دعوت قبلی به دانشگاه صنعتی آمده بودند، بسا درهای بسته روبرو شدند و وقتی که به این روش غیر اخلاقی و ضد فرهنگی مسئولان دانشگاه که بی‌شک به دستور ساواک و ناشی از وحشت رژیم از هرگونه تجمع مردم بود، اعتراض کردند، با پرورش ناگهانی و وحشیانه گارد دانشگاه مواجه گردیدند. آری، رژیمی که جز سرنیزه زبان دیگری برای سخن گفتن تعیند، حتی در محیط علم و فرهنگ نیز جز با این صدای متعفن نمیتواند حرف بزند. اما این بار مردم به این صدای هرزه و وحشی با مشت‌گره کرد‌های که از هزاران دست تشکیل شده بود، پاسخ گفتند. در حدود دو سه هزار نفر از دعوت‌شدگان به سخنرانی که در میان آنان از همه قشرهای اجتماعی به ویژه دانشجویان و مدارس عالی کشور بودند، به عنوان واکنش و مقابله در برابر توهین گماشتگان رژیم شروع به تظاهرات کردند و در ظرف چند دقیقه، در سراسر خیابان آیزنها از نزدیکی میدان شهید تا حدود دانشگاه دامپزشکی - شعارهای میهنی و ضد رژیم محلات اطراف را به لـرزه در آورد.

جلاد ننگت باد ۰۰۰ مرگ براین حکومت فاشیستی ۰۰۰ زحمتکشان بدانید، شاه شما جلا د است. ۰۰۰ اتحاد، مبارزه، پیروزی ۰۰۰

اولین مهاجمان پلیس با هجوم جمعیت خشمگین که جز مشت‌های گره کرده و قلب‌های سوزان خود سلاخی نداشتند، تارو مار شدند. به دنبال آن کامیونها و مینی‌بوس‌ها و اتوبوس‌های لبریز از گاردهای پلیس یکی پس از دیگری سر رسیدند و ضرب و شتم خشن و دستگیری جمعیت مشتاقی که برای شرکت در یک برنامه فرهنگی دعوت شده بود، آغاز شد. وقتی خبر این پرورش وقیحانه به پنج هزار جمعیتی که در داخل سالن ورزشی دانشگاه صنعتی برای شنیدن سخنرانی اجتماع کرده بودند رسید، برنامه سخنرانی تعطیل شد و جمعیت یکپارچه به خشم آمده، بیتاب و راسخ اعلام کرد:

تا هنگامیکه کلیه دستگیر شدگان آزاد نشوند و از این اقدام موهن رژیم تروریست و ضد فرهنگ پرورش خواهی نشود، جمعیت به عنوان اعتراض در سالن دانشگاه صنعتی متحمن خواهد ماند. و اعتصاب سته جمعی ادامه خواهد یافت.

نیمه‌های شب پدران و مادران و خواه‌سوران و برادران نگران و مضطرب که برای آگاهی از علت غیبت عزیزان خود مقابل دانشگاه صنعتی جمع شده بودند، به دستوری یکی از روسای گارد شهرنظامی

به داخل دانشگاه رانده شدند تا به دستور جناب سرهنگ! فرزندان متحمن خود راز دانشگاه خارج کنند و به خانه ببرند. اما پدران و مادران وقتی با فرزندان خود روبرو شدند و در آغوش جمعیت پنج هزار نفری غوطه خوردند و اشک‌هایشان با سر انگشت پسران و دختران قهرمانشان پاک شد، تصمیم خود را برای پیوستن به اعتصاب کنندگان اعلام داشتند و به این ترتیب تحصن اعتراضی با حضور خانواده‌ها رنگ دیگری بخود گرفت. نمایندگان دانشگاه‌های مختلف، کارگران، کارمندان، فرهنگیان و قشرهای دیگر که در سالن سخنرانی حضور داشتند در میان ابراز احساسات شدید حاضران یکی پس از دیگری پشت‌تربون رفتند و به نمایندگی از صف دانشکده، کارگاه، و همکاران خود همبستگی با خواستهای حقه اعتصاب کنندگان را اعلام داشتند. این درحالی بود که اعلامیه‌های مختلف دست‌نویس تصمیمات و توجیه‌های گروه‌های مختلف حاضر در سالن را به اطلاع همگان میرساند و چون ورق‌های زر در انطباطی حیرت‌انگیز و سازمان یافته دست به دست میگشت و ترانه‌های ملی و انقلابی خلق‌های ساکن ایران فضای رفیقانه سالن را گرمی و حرارت بیشتری میداد.

این اجتماع گرسنه، خسته، منتظر، اما با عزم، یکپارچه و همدل، غرقه در صفا و شکوه پیوند، یک شبانه روز به اعتصاب خود ادامه داد تا سرانجام با تعهد و قول و تأکید رئیس دانشگاه برای آزادی دستگیر شدگان و انتشار قطعنامه‌ای از دانشگاه خارج شد. در این قطعنامه تصریح شده بود که اگر تا روز یکشنبه ۲۹ آبان‌ماه، که قرار است مجلس سخنرانی با حضور دوباره جمع برگزار شود، خواستهای اعتصاب کنندگان و در رأس همه، آزادی بازداشت‌شدگان، علی‌نشد، اعتصاب عمومی تمام دانشگاه‌ها و بسیاری از واحدهای اجتماعی سراسر کشور را فرا خواهد گرفت. این میثاق ادامه مبارزه بود.

در شب تحصن ۵ هزار نفری دانشگاه صنعتی، در تهران حکومت نظامی برقرار بود. به دنبال نبرد مردم و دانشگاهیان با پلیس مهاجم که طی آن شیشه‌های چند بانک و تأسیسات ایران ناسیونال و سیتروئن و پپسی‌کولا و ۰۰۰ شکست، آرامشی موقت برقرار شد. اما از فردای شب حکومت نظامی ایسن آرامش با تظاهرات گروه‌های پراکنده و کوچک و بزرگ در گوشه و کنار شهر (و بیشتر در خیابانهای آذر با - بجان، نواب، آیزنهاور، امیرآباد و شاه‌رضا) فراموش شد. هجوم میرغیب‌ها به دانشگاه بهانه‌ای بود تا مردم خشم و انزجار خود را از رژیمی که چون بختک به روی وطن ما افتاده و هرصدای شریفی را با گلوله و زندان و جوجه‌های اعدام خاموش میکند، ابراز دارند. تظاهرات خیابانی در بعضی نقاط آنقدر وسیع و علنی بود که در خیابان اسکندری و دروازه دولت و چند نقطه دیگر کار به تیراندازی کشید و عدای کشته و زخمی شدند. اما خون شهدا شعله‌ها را سرکش‌تر میکند. تهران در چند روز گذشته شاهد شکوفه کردن عزم مردم و شکفتن گل‌های تازه‌ای بود. دست‌ها از درون دانشگاه‌ها و کارخانه‌ها بسوی هم دراز میشوند. ضرورت وحدت همه نیروهای مخالف رژیم استبدادی به اشکال گوناگون خود را به مبارزان و توده‌ها نشان میدهد. حقانیت شعار روز حزب توده ایران که همه نیروهای مخالف رژیم دیکتاتوری شاه را صرفنظر از اختلافات عقیدتی و مسلکی، به اتحاد عمل برای سرنگونی سفاکترین و وطن‌فروش‌ترین رژیم تاریخ دعوت میکند، پیش از پیش آشکار میشود. مبارزان شریف و خلق‌های

بجان آمده با تمام وجود خود اهمیت حیاتی احیای هرچه گسترده‌تر سازمانهای سیاسی میهنی و ملی‌راکه تنها کلید گشودن دروازه پیروزی ملت ماست، احساس میکنند. ملت ما با نیروی بیشتر و اراده مستحکمتری از میان تجربیات تلخ و خونین و بر رنج خود که طی سالهای حکومت فاشیستی و روزهای نیکت و خفقان و تاراج و زورگویی و عوام‌فریبی اندوخته، برمیخیزد. روزهای اخیر ما را به هم نزدیکتر کرد. در روزهای آینده این نزدیکی باید به پیوند‌های فشرده تری بینجامد. همزمانی تظاهرات گسترده و پرشور دانشگاهی و خیابانی تهران با تظاهرات افشاگرانه بیش از ده هزار میهن پرست و دانشجوی ایرانی در آمریکا به هنگام ورود شاه تصادفی نیست. اتحاد و پیوند حتی از برای صد هزاران کیلومتر راه ضرورت مبرم خود را نشان میدهد. در این روزهای حساس که رژیم ضحاک معاصر در لجنزار فساد و ورشکستگی فرو میرود و در بن بست ناشی از سیاستهای ایران بریادده و ضد خلقی سرگردان است، تنها ضربه اساسی را مشت محکم خلقی ما که از پیوند تمام دست‌ها نیرو میگردد، میتواند فرود آورد. بگذار این شعار نغز که در روزهای اخیر در خیابانها و کوچه‌های تهران طنین الهام بخشی داشت، تحقق یابد:

— اتحاد ۰۰۰ مبارزه ۰۰۰ پیروزی ۰۰۰

ماضن محکوم کردن اقدامات فاشیستی اخیر رژیم ضد خلقی و ضد ملی شاه، آزادی بی‌قید و شرط کلیه دستگیر شدگان و برچیدن فوری نظامیان و کوماندوهای پلیس را از اطراف دانشگاه‌های محاصره شده و کوچه‌ها و خیابانها مبرانه خواستاریم و از کارگران و زحمتکشان و دیگر میهن پرستان دعوت میکنیم که با تمام نیرو به پشتیبانی فعال از خواستهای جوانان و دانشجویان میهن پرست و آزاد یخواه برخیزند و با شرکت در تظاهرات آنان، این تظاهرات را به مشت متحد و نیرومند خلق مبدل سازند.

حزب توده ایران

با کمکهای مالی به پیشرفت مبارزه حزب توده ایران

یاری رسانید!

با گسترش مبارزه در ایران احتیاج سازمان مرکزی حزب به کمک مالی هرروز بیشتر میشود. در شرایط اختناق سیاه ساواکی و بیگرد‌های پلیسی رساندن متکثیر و بخش‌تشریحات حزب در ایران، ایجاد امکانات چاپ در ایران، کمک به مبارزان و خانواده‌های رفقای زندانی مستلزم هزینه روزافزونی است. کمیته مرکزی حزب توده ایران از همه دوستان، همراهان و رفقای حزبی میخواهد که با کمکهای مالی به سازمان مرکزی حزب، به پیشرفت کار در ایران یاری رسانند.

کمکهای مالی خود را به یکی از دو حساب بانکی زیر ارسال دارید و یا مستقیماً به مرکز حزب برسانید. در صورت اول با نامهای با امضای مستعار ارسال پول را بمرکز حزب اطلاع دهید.

رسید کمکها در مجله دنیسا به نام مستعار و یا شماره‌ای که هر فرستنده خود خواهد گردید اعلام خواهد شد.

1 - Dr. John Takman
Sweden - Stockholm
Stockholms Sparbank
No. 040012650

2 - Dr. Maria Albertini
DDR - Berlin
Deutsche Aussenhandelsbank
No. 9608 - 3131 - 0010

ما اقدام تجاوزگرانه رژیم استبدادی شاه را علیه آزادی و استقلال جبهه محکوم میکنیم!

اعتراضیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

هموطنان عزیز،

هرروز که میگذرد، پرده از روی توطئه جدید رژیم استبدادی ایران و امپریالیسم، علیه خلقها برداشته میشود.

در ایام اخیر، به ویژه پس از بازگشت شاه از سفر واشنگتن، بار دیگر رژیم استبدادی دست به اقدام مداخله جویانه و تجاوزکارانه تازه‌ای، در جهت حفظ منافع امپریالیسم و ارتجاع بین المللی زده است، بدین معنی که تصمیم گرفته است، با استفاده از دالان هوایی که عرستان سعودی در اختیارش قرار میدهد، به مقدار زیاد اسلحه سنگین برای دولت سومالی بفرستد تا این دولت از آن برای مقاصد تجاوزگرانه خود علیه جبهه استفاده کند.

چنانکه میدانیم مدتی است سومالی، با نقض مصونیت مرزها و تمامیت ارضی جبهه، علیه این کشور دست به

تجاوز آشکار زده و بخشی از اراضی آنرا اشغال کرده است. اقدام رژیم برای ارسال سلاح به سومالی، در جهت اجراء توطئه امپریالیسم آمریکا است که در صد سرکوب جنبش انقلابی و رژیم خلقی در حبشه است. این اقدام در جهت ایجاد یک کانون نوین تشنج در منطقه موسوم به "شاخ آفریقا" است. این اقدام رژیم نمودار دیگری از آن سیاست ضد صلح و تشنج فزائی است که به همراه تجاوزکارترین محافل امپریالیستی انجام میگیرد و نه تنها به زیان خلق حبشه، بلکه به زیان خلقهای ایران و سومالی و علیه منافع جنبش‌های بخش خلقهای آفریقا است.

ما به اقدام تازه تجاوزگرانه و مداخله جویانه رژیم علیه استقلال و آزادی حبشه به شدت اعتراض میکنیم. این اقدام، پس از مداخله در عمان و علیه جنبش‌های بخش مردم ظفار گام دیگری است که رژیم، به عنوان زاندارم امپریالیستی، در جهت سرکوب جنبش دمکراتیک و ملی

دنباله اظهاریه هیئت اجرائیه

مأموران شاه با تأیید و همکاری مستشاران و کارشناسان "امنیتی" آمریکا با حماق، پنجه بکس، کابل و زنجبیر بر هزاران دانشجو، معلم، دانش‌آموز، کارگران و دیگران که میخواستند برای شنیدن یک سخنرانی ادبی و هنری در دانشگاه صنعتی گرد آیند حمله بردند و دست به جنایاتی زدند که در دنیای امروز جز بربریت نام دیگری بر آن نمیتوان نهاد. در دانشگاهها، خیابانها، میدانها و بازارها چندین روز متوالی مأموران رژیم دیکتاتوری تظاهرات عادلانه و قانونی هزاران دانشجو، معلم، نویسنده، هنرمند، کاسیکار، شخصیت سیاسی، کارگر، روحانی و کارمند را که به اعتراف ویلیام برانینگن، (خبرنگار "انترنا -

یشنسل هرالدرتربون" که شاهد ماجرا بود، به آرمی در خیابانها حضور یافته و میخواستند به آرمی متفرق شوند، بارها مورد حملات وحشیانه قرار دادند. مأموران رژیم لجام گسیخته دیکتاتوری و چاقوکشان مزدور بدون اجازه و قرار مراجع ذیصلاح قانونی به عسف وارد خانه‌های مردم میشدند، به هرکسی میرسیدند به باد کتک و فحش میگرفتند، کتاب، لباس، دستگاہ ضبط صوت و هر چیز دیگری را که در دست مردم میدیدند، به زور میگرفتند و در ملا عام به شیوه فاشیستی آتش میزدند و سرود دست میشکستند و به حد کشت افرا دارا میزدند. در این جریان صد هائفر بازداشت شدند و از جمله بازداشت شدگان نویسنده نام آور ایران محمود اعتمادزاده (به آدین) و فرزند ایشان است. طبق اطلاعات رسیده به عدای نیز به دست مأموران رژیم دیکتاتوری به قتل رسید هاند. مردم حق خواه و بی‌پناهی که در معرض حمله گرگان رژیم دیکتاتوری قرار گرفته بودند فریاد میکشیدند: "در ایران قانون وجود ندارد!"، "دیگر نمیتوان خاموش نشست!"، "مرگ بر این حکومت فاشیستی!"

در روزهای پس از این حوادث از یکسو مبارزه مردم و از سوی دیگر وحشیگری دژخیمان چاقوکش رژیم گسترش تازه ای یافت. حمله شیخون مانند صدها گراز وحشی ساواکی و چاقوکشان شعبان بی‌مخ به هزار نفر مردمی که به مناسبت جشن عید قربان در نزدیکی داروانسرا سنگبلی

گرد هم آمده بودند و صد هائفر را به سختی مضروب و مجروح ساختند، شیوه جدیدی است که رژیم برای مقابله با جنبش در حال رشد ضد دیکتاتوری در پیش گرفته است. خیزش جدید جنبش ضد دیکتاتوری در ایران درد لهما شعله امید برافروخته و جنایات رژیم کین و نفرت همگانی را برانگیخته است. حزب توده ایران که سی و شش سال است از نخستین روز تأسیس خود، با ارتجاع و استبداد و امپریالیسم خونخوار دست به گریبانست و در این راه هزاران تن از بهترین اعضای خود را در میدانهای نبرد علیه رژیم ضد خلقی قربانی داده و متحمل سخت ترین مصائب و مشقات گردیده است، در این موقع که مبارزات عادلانه مردم ایران با تهاجم خونین رژیم مواجه شده تنفر و اعتراض عمیق خود را علیه اعمال بربرمنشانه و ضد قانونی رژیم دیکتاتوری اعلام میدارد. حزب توده ایران مبارزه آزاد یخواهانه مردم ایران، کلسیه احزاب، سازمانها، گروهها و شخصیتهای ملی و دمکراتیک را که علیه رژیم مغفور دیکتاتوری و در راه احیای دموکراسی در کشور قد علم کرده‌اند، با تمام قوا تأیید مینماید و از خواستهای ملی و میهن پرستانه آنها در باره انحلال سازمان آدمکش امنیت، آزادی کلیه زندانیان سیاسی، انحلال مجلس فرمایشی، اجرای انتخابات آزاد، تأمین آزادی احزاب، اجتماعات، مطبوعات، قلم و بیان، احیای استقلال قضائی در ایران، تعقیب و مجازات متجاوزین به حقوق مردم و خائنین به استقلال ایران پشتیبانی میکند. حزب توده ایران دوشبه دوش سایر نیروهای ملی و دمکراتیک ایران بر این عقیده است که براندختن استبداد شاه و پایان دادن به شیوه ترور و اختناق، احیای حقوق و آزادیبهای دموکراتیک مردم ایران و اعاده حیثیت اجتماعی جامعه کشور ما که به حقارت بارتترین اهانت آمیز ترین طرزی لگد مال دیکتاتوری لجام گسیخته گردیده، نیاز حیاتی و میهم ایران امروز است.

رویدادهای اخیر این امید را در دل میآفریند که تجارب تلخ دوران اسفباری که جنبش ملی و دمکراتیک ایران بر اثر تفرقه نیروهای میهن پرست کشور دچار سترونی غم انگیزی گردیده بود بالاخره مبارزان کشور ما را به یگانه راه پیروزی و کسب آزادی که راه اتحاد و همکاری خود آنهاست متوجه و هدایت نموده باشد. در نبرد

خلقها بر میدارد. روشن است که این سیاست ضد ملی و تجاوزکارانه رژیم، با سیاست ضد دمکراتیک وی که در این روزها متوجه سرکوب خشن مبارزات آزاد یخواهانه و به حق مردم ایران است، پیوندی درونی و سرشتی دارد؛ کسیکه به خلق خود ستم روا میدارد، همین رفتار را در باره خلقهای دیگر خواهد داشت و برعکس. مردم آزاده ایران که هرگز چنین اقدامات تبارکارانه ای را مجاز نمیشمرند، باید بانگ رسای خود را علیه این توطئه تازه رژیم و امپریالیسم آمریکا، علیه مردم دلاور حبشه که با جانبازی در راه نیل به استقلال واقع و دمکراسی حقیقی بیابراخاسته‌اند، بلندکنند و نشان دهند که خواست مردم ایران درست نقطه مقابل سیاست مرتجعانه رژیم استبدادی است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
آذرماه ۱۳۵۶

اخیر که علیه رژیم دیکتاتوری انجام میگیرد، نمایندگان طبقات و اقشار مختلف، پیروان جهان بینی‌ها و اصول و اعتقادات گوناگون، افراد منسوب به همه خلقها، ایران زن و مرد، پیرو جوان، عالم و عامی در کنار هم و در یک سنگر ضد دیکتاتوری قرار دارند. آری فقط خود خلق و وحدت عظیم خلق است که میتواند باید دوال پسا دیکتاتوری را برگردن مردم ایران پائین آورد. این تمایل به اتحاد و همکاری را یگانه پایه پیروزی قاطع مردم ایران بر غاصبین حقوق و متجاوزان به حیثیت ملی و اجتماعی کشور خود میدانیم و معتقدیم که تشکیل، توسعه و تحکیم این اتحاد و همکاری وظیفه ملی میهنی هر ایرانی وطن پرستی است که میخواهد کشور خود را آزاد از زنجیر، در شاهراه استقلال و دمکراسی و ترقی و در صف کشورهای آزاد و سر بلند جهان ببیند.

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی

حزب توده ایران

<p>ممنشورش</p> <p>به مناسبت شصتمین سال انقلاب کبیر اکبر</p> <p>وای. لینن</p> <p>در باره نقش زن در اجتماع و تجربیات بدست آمده در اتحاد جماهیر شوروی در باره حل موضوع زن</p> <p>ترجمه مریم فیروز</p>	<p>ممنشورش</p> <p>داستان تاریخی</p> <p>فرهاد چهارم</p> <p>نوشته احسان طبری</p> <p>از انتشارات حزب توده ایران</p>
--	--

ممنشورش

جهان بینی‌ها و جنبشهای اجتماعی در ایران

«کتاب دوم - جز دوم»

«جامعه ایران در دوران رضاشاه»

از انتشارات حزب توده ایران